

نوروز ماندگار چشمن آفرینش

مرجان فنایی



نیز نوروز دارای اهمیت و تقدس بوده است. در ایران باستان هر سال دوازده ماه بوده که نام های کنونی خود را داشته است. همچنین هر ماه دارای سی روز تمام و هر روز دارای نام خاصی برگرفته از نام امشاسپندان و ایزدان بوده است. در این گاهشماری، روز نخست از هر ماه به نام خداوند هستی بخش دانا، اورمزد نامیده می شده است که این تقارن نوروز با اولین روز فروردین ماه موجب حرمت نوروز در نزد ایرانیان شده است.

از علل دیگر توجه فوق العاده به نوروز، تقارن جشن هایی چند در زمانی کوتاه است، چون پنجه کوچک (شروع آن، اشداد روز از ماه اسفند یعنی ده روز مانده به نوروز است)، پنجه بزرگ (پنج روز پایان سال)، گاهنبار ششم، زاد روز زرتشت (خرداد روز از ماه فروردین، ششم فروردین، و شروع نوروز خاصه)، ایام فروردگان (شروع آن جشن چهارشنبه سوری است) و جشن فروردینگان (فروردین روز از ماه فروردین، نوزدهم فروردین، که از جشن های دوازده گانه در طول سال است که بر اثر تقارن نام روز و ماه پدید می آید).

اگر چه نوروز با فرهنگ ایرانیان پیش از اسلام و باورهای دین زرتشتی در آمیخته است، اما تکیه آن بر باورهای اصیل و منطبق بر فطرت انسانی عامل ماندگاری آن در فرهنگ ایران پس از اسلام بوده است. وجود نوروزهای معروفی همچون نوروز معتمدی، نوروز عضدی، نوروز جلالی و نوروز خوارزمشاهی در ایران پس از اسلام، بیانگر آن است که نوروز هم از لحاظ جشن و شادی و سنت ها و هم از لحاظ حساب و شمار روز و ماه و سال در دوران اسلامی دارای اهمیت بسزایی بوده است.

بر تیامت و آفرینش کیهان بر پا می شده است.

در فرهنگ ایران نیز براساس یک روایت افسانه ای، آفرینش جهان و آدمیان توسط اورمزد و از پاره های اندام گاو نخستین که به دست اهریمن کشته شده بود، انجام پذیرفته است. بر پایه چنین روایتی و روایت های مشابه دیگر، جشن ها و مراسم متعددی در سال نو، مانند جشن ریتوین، برپا می شده است که وجه اشتراک تمامی آنها موضوع آفرینش جهان و رستاخیز موجودات بوده است.

داستان آفرینش در نزد ایرانیان، خودانگیزه بخش کردن سال به شش گاه بوده است. اعتقاد به آفرینش کل کائنات توسط اهورامزدا در شش مرحله (برابر با یک سال) سبب برپایی جشن های شش گانه در طول سال بوده، که گاهنبارها نامیده می شدند. در نخستین گاهنبار، آسمان؛ در دومین، آب؛ در سومین، زمین؛ در چهارمین، گیاه؛ در پنجمین، جانوران؛ و در ششمین، انسان آفریده شده است. تقدس این شش گاهنبار عاملی برای برپایی جشن های ویژه ای بود که هر کدام پنج روز به طول می انجامید و مهمترین روز جشن، روز پنجم بوده است. آفرینش انسان در گاه ششم یا همسپتدم - واژه هَمَس پَت مَدَم، به معنای برابر شدن روز و شب است - و در مهم ترین روز از این گاه یعنی روز پنجم از بهیزک یا پنجه دزدیده رخ داده است و این روز مقارن با نوروز، بزرگترین جشن ملی ایرانیان است.

نوروز همچنین از این جهت که در ماه مقدس فروردین واقع شده، دارای تقدس ویژه ای بوده است زیرا بنا بر باورهای پیشینیان، ماه فروردین هنگام فرود آمدن فرورهای نیاکان به زمین و نزد دودمان خویش است.

از دیدگاه گاهشماری ایران باستان

جشن و شادی همواره بخش مهمی از فرهنگ و آداب ملل مختلف بویژه ایرانیان را تشکیل می داده است و نوروز کهن ترین آئین سرور و شادی در فرهنگ ایران است که با توجه به ریشه های متعدد دینی، تاریخی و اساطیری به شکل شگفت انگیزی جایگاه خود را در طول دوران های مختلف در میان مردمان این مرز و بوم حفظ کرده است.

از آنجا که واژه جشن در زبان فارسی تطور یافته واژه «یسن» است و معنای پرستش و ستایش دینی داشته، می توان چنین پنداشت که عمده آیین های شادمانی بجای مانده از دیرباز و بویژه نوروز به نوعی ریشه در مفاهیم دینی و پندارهای مذهبی مردمان ایران زمین داشته است و واژه جشن بتدریج در طی دوران های متمادی، برای هر سور و بزمی به کار گرفته شده است. بر این اساس، ریشه های نوروز، این جشن کهن ایرانی - با سابقه نزدیک به شش هزار سال - را نیز می توان در اصول اعتقادی و باورهای ایرانیان جستجو کرد، باورهایی که ریشه های مشترک فراوانی با سایر اقوام داشته است.

در بررسی پیشینه نوروز ابتدا به اسطوره جمشید بر می خوریم. در روایات باستانی، جمشید که از سوی اهورامزدا به عنوان شهریار برگزیده شده بود، بر دیوان غلبه و دین را نو می کند و از آن پس مردمان آن روز را نوروز نام نهاده و جشن می گیرند.

در فرهنگ سایر اقوام نیز به جشن هایی با زمینه مشابه بر می خوریم که همگی به نوعی یادآور موضوع آفرینش جهان و غلبه نیروی خیر بر شر بوده اند. از آن جمله می توان به نوروز های یکی تو و جشن بهاری زگموک بابلی ها اشاره کرد که به افتخار مردوک و به عنوان بزرگداشت غلبه مردوک

تمامی مراسم ویژه نوروزی با سنت ها و عقاید و آدابی در آمیخته است که جنبه تمثیلی دارند و برای فهم فلسفه هر کدام باید به کندوکاش در تاریخ ایران باستان پرداخت و ریشه های کهن اساطیری - دینی آنها را بررسی کرد. در این میان، هر کدام از اجزای سفره هفت سین - که به معنای هفت چیز مقدس و سپینته به شماره هفت امشاسپند است - نشانه ای از خیر و برکت و عشق و زایش و نوزایی و رستاخیز هستند. رویاندن سبزه و نهادن آن بر سر سفره نوروزی که در اساطیر ایرانی، یادمانی از گیاه رویداده از خون سیاوش است، اشاره به تولد دوباره وی در بهار و رستاخیز دارد. در نگاهی تاریخی می توان رویاندن سبزه را نماد تفال زدن به بهترین محصول در بین دوازده محصول کاشته شده بر سر دوازده برج در بار شاهی ذکر کرد. از دیگر مراسم ویژه نوروزی می توان به جشن سوری، خواندن الحان نوروزی، میرنوروزی، حاجی فیروز، کوسه برنشین، مراسم آب پاشی (آبریزگان) و مراسم سبزه بدر اشاره کرد. در تأیید اهمیت نوروز، اشاره به این نکته ضروری است که حتی دیگر

مراسم و جشن های ویژه نیز با نوروز سنجیده می شده، از جمله جشن سوری (چهارشنبه سوری) که شروع فروردگان است و جشن سده (جشن بزرگداشت آتش) که پنجاه روز و پنجاه شب به نوروز مانده برگزار می شود.

از سویی دیگر، نوروز تنها در قالب یک جشن باقی نمانده و از آنجا که ریشه در هویت و باورهای ایرانیان دارد، بر دیگر ابعاد زندگی آنها نیز تأثیر گذاشته است. نوروز یکی از بهترین بهانه ها برای ارائه آرمان های هنری بوده است و نشانه های بارز آن در هنر موسیقی، نقاشی، حکاکی، مجسمه سازی و کنده کاری روی سنگ که از دوران های مختلف به جای مانده و شاخص ترین آنها حجاری های باقی مانده در تخت جمشید است، به چشم می خورد؛ در موسیقی ایرانی برای هر موضوع شاخصی، لحن یا گوشه خاصی وجود داشته، از جمله برای نوروز، که تعدادی از آنها امروزه نیز به یادگار مانده است، مانند لحن نوزدهم بارید که ساز نوروز یا ناز نوروز نام دارد و یا گوشه هایی از هفت دستگاه موسیقی ایرانی چون نوروز عرب، نوروز صبا و نوروز خارا در دستگاه راست پنج گاه و دستگاه همایون .

نوروز در میان ایرانیان نوعی جشن آفرینش بوده است، زیرا نه تنها پیدایش آن با توجه به باورهای نیاکان ما در مورد پدیده آفرینش و رستاخیز موجودات بوده است، بلکه ماندگاری آن نیز به چنین اعتقادی بر

می گردد. در حقیقت مسأله آفرینش، نحوه پیدایش موجودات و رستاخیز آنها همواره از پرسش های اصلی ذهن بشری بوده است و هر چند انسان امروز ممکن است آگاهانه به چنین مسائلی نظر نداشته باشد، اما نمادهای طبیعی از جمله مرگ طبیعت و رستاخیز مجدد آن و جشن حیات نوی زمین خواه ناخواه چنین پندارهایی را زنده می کند. بنابراین همخوانی فطرت انسان و پندارهای القاء شده در فرهنگ نوروز را می توان از جمله دلایل نهان ماندگاری این رسم کهن دانست.

نوروز ماندگار نماد حرکت و جنبش و پای گرفتن زندگی و هستی است و تقارن آن با اول بهار و اعتدال ربیعی و رستاخیز طبیعت و زندگی مجدد، منطبق با قوانین طبیعی است. بی دلیل نیست که حتی در دوران تکنولوژی زده امروزی که توجه به پدیده های اصیل فرهنگی در حال کاهش است، نوروز اهمیت خود را همچنان حفظ کرده و به عنوان میراث فرهنگی هر ساله جشن گرفته می شود، و حتی سازمان ملل نیز روز ۲۱ مارس (اول فروردین) را به عنوان روز جهانی عید نوروز با ریشه ایرانی به رسمیت شناخته و آن را در تقویم خود جای داده است.

منابع:

- ۱- برومند سعید، جواد؛ نوروز جمشید؛ تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۷.
- ۲- موله، م؛ ایران باستان؛ مترجم: ژاله آموزگار؛ تهران، انتشارات توس؛ ۱۳۷۷.
- ۳- نیکنام، کوروش؛ از نوروز تا نوروز؛ تهران، انتشارات فروهر، ۱۳۸۵.
- ۴- هینلز، جان؛ شناخت اساطیر ایران؛ مترجم: ژاله آموزگار - احمد تفضلی؛ تهران، انتشارات آویشن، ۱۳۷۹.

نام ها:

1- Akitu 2- Zagmuk 3- Marduk 4- Tiamat